

مطالعه جامعه شناختی چالش های اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی (مطالعه موردی موسسه شریف)

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال ششم)
شماره ۲۲ / زمستان ۱۳۹۹ / ص ۹۶-۱۰۵

زهره سادات سعیدی نیا^۱، حسن ملک^۲، حسین آقاجانی مرساء^۳

^۱ کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (دانشجو)

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (استاد راهنما)

^۳ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (استاد مشاور)

نویسنده مسئول:

حسن ملک

چکیده

فرایند اجتماعی شدن از دوران کودکی تا بالاترین سنین یک فرایند مستمر و مداوم است. اجتماعی شدن کودک از خانواده شروع می شود، خانواده برای کودک معنی همه دنیای است که او را احاطه کرده، کودکانی که به دلایل مختلف مثل فوت والدین و ... از حمایت و مراقبت و نگهداری موثر توسط خانواده محروم می شوند و در مراکز دولتی و خصوصی فرزندپروری (بهزیستی) یا شبه خانواده با مشکلاتی روبه رو می شوند. این تحقیق با هدف مطالعه جامعه شناختی چالش های اجتماعی شدن فرزندان بهزیستی موسسه شریف در استان البرز، شهرستان فردیس، جاده ملارد، انتهای بلوار مینا انجام شد. جامعه آماری و حجم نمونه ۳۰ نفر بودند که از روش همه شماری با استفاده از پرسشنامه (ساختمند) و مصاحبه و همچنین اسناد کتابخانه ای به جمع آوری اطلاعات پرداخته شد.

داده های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. و داده ها در بخش آمار استنباطی از تحلیل تشخیصی و همبستگی کانونی مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که متغیر ارتباط با مربیان به عنوان قوی ترین عامل در قضیه ی اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی تأثیرگذار است. همچنین مدرسه و رسانه نیز با اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی رابطه مثبت و معنادار نشان دادند. دو مؤلفه ی گرایش به بزهکاری و گسست و عدم حمایت مراکز نیز بر میزان اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی تأثیر خاصی نداشته اند و رابطه آنها معنی دار نبوده است.

کلمات کلیدی: مراکز شبه خانواده دولتی و خصوصی، فرزندان بهزیستی، چالش، اجتماعی شدن، تعامل مربیان و فرزندان بهزیستی، عوامل مؤثر بر اجتماعی شدن در خانه های بهزیستی.

-مقدمه

کودکی که به دنیا می آید عالی ترین و کامل ترین امکانات رشد را داراست. او در بهترین حالت خود آفریده می شود. وی آمادگی و ظرفیت آن را دارد که به شایسته ترین وجهی پرورده شود و به برترین کمالات دست یابد. کافی است خانواده و محیط مناسبی در اختیارش باشد، تاببالد و رشد و نما کند و جای ارجمند خویش را در این جهان بیابد، اما وضعیت نامتعادل و نامناسب زندگی خانوادگی، کمبود آموزش و پرورشی، فقر و اعتیاد گسترده، دل آزرده و افسردگی و پرخاشجویی و شکوه گری های حاصل از غیبت یا فقدان سرپرست در بسیاری از خانواده ها، طلاق عاطفی، مهاجرت های بی رویه، آوارگی و بسیاری از عوامل مهم دیگر موجب رشد گسترده اختلال های عاطفی و رفتارهای در کودکان شده است. بی تردید سیاست های مراکز نگهداری، تغییر کارمندان، نحوه برخورد و آموزش متفاوت مربیان، که همه این مسایل به طور مستقیم در رشد و شکل گیری شخصیت فرزندان تاثیرگذار خواهد بود و در روند رشد و روند اجتماعی شدن با چالش های روبرو هستند. آنان زمانی که کودکی را پشت سر می گذارند و به نوجوانی می رسند، یعنی دوره ای که مقطع بسیار حساسی از زندگی فرد است و در آن نوجوان با تغییر گسترده شناختی و ساختاری روبرو است، آنها به کشف استقلال خود می پردازند به عبارت دیگر خود را حس می کنند، در واقع تکلیف عمده نوجوان کسب هویت است، یعنی یافتن یا پاسخ به این سوال ها: من که هستم؟ چه می کنم؟ چگونه خود را ارزیابی می کنم؟ و چگونه خود را به دیگران معرفی می کنم؟ دوره ای که فرد ممکن است برای شکل دادن به فهم یکپارچه ای از خود، رفتارها و عقاید و علایق گوناگون را امتحان کند، اگر این دوره بدون مشکل سپری شود، نوجوان به بزرگسال تبدیل خواهد شد، اما از دیگر چالش های که آنها در این فرایند اجتماعی شدن و شناخت خویش با آن مواجه هستند ترک محیط فرزند پروری (بهزیستی) بعد از ۱۸ سالگی است که خود یکی از بزرگترین چالش های پیش روی آنهاست، دوره ای که افراد معمولاً "نیازمند حمایت از سوی خانواده و مربیان است و آنها از این حمایت محروم هستند. مطالعه در خصوص چگونگی پرورش کودکان در بهزیستی از هر حیث اهمیت دارد، اینکه این کودکان اجتماعی شدن مناسبی را طی کنند تا در آینده فردی دارای مهارت های اجتماعی و فنی تخصصی برای زندگی در جامعه باشند، می تواند ضرورت مطالعات در این خصوص را تایید کند. نهاد دولت و بهزیستی و بخش خصوصی برای پرورش این کودکان متحمل هر گونه تخصیص هزینه می شود، لذا بدیهی است که برای پرهیز از هر نوع صدمه و آسیب در زندگی این کودکان هر چه بیشتر به این مهم پرداخته شود. از جمله عوامل مربوط به نوآوری در این پژوهش، بررسی همه جانبه و عمیق نسبت به مطالعه جامعه شناختی چالش های اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی موسسه شریف است. با توجه به پیشینه تحقیقات و اینکه هیچ گونه تحقیقی در ارتباط با فرایند اجتماعی شدن و مطالعه نحوی حمایت از فرزندان بهزیستی بعد از ۱۸ سالگی انجام نشده است در تحقیق حاضر به بررسی در پیرامون آن پرداخته می شود.

-سؤالات تحقیق

- چالش های اجتماعی شدن بچه های بهزیستی در پاسخ به این سوال که من کیستم چیست؟
- آیا بین فرزندان و مربیان ارتباط عاطفی (مادر - پدری) وجود دارد؟
- آیا اجتماعی شدن فرزندان در محیط بهزیستی طبق الگوهای علمی رشد کودک برنامه ریزی می شود و از همه روش های آموزشی، تشویقی و انضباطی به جای خود استفاده می شود؟
- گروه همسالان در مرکز و مدرسه در فرایند اجتماعی شدن فرزندان تا چه میزان تاثیر دارد؟
- نقش مربیان در شکل گیری شخصیت بچه ها تا چه میزان است؟
- عدم انتخاب فرزندان از سوی متقاضیان حضانت فرزند چه تاثیری بر اجتماعی شدن فرزندان می گذارد؟

-فرضیه های تحقیق

- به نظر می رسد ارتباط عاطفی بین مربیان و فرزندان در اجتماعی شدن فرزندان تاثیر دارد.
- به نظر می رسد بین میزان اجتماعی شدن نوجوانان و گرایش فرزندان به بزهکاری رابطه وجود دارد.
- به نظر می رسد گسست و عدم حمایت مراکز فرزندپروری (بهزیستی) از کودکان بعد از ۱۸ سالگی بر زندگی آینده آنها تاثیر دارد.
- به نظر می رسد بین آموزش فرزندان از سوی مرکز و نگرش آنها نسبت به دنیای خارج از مرکز رابطه وجود دارد.
- به نظر می رسد بین امکانات سخت افزاری و نرم افزاری موجود در محیط زندگی کودکان (در مراکز فرزند پروری) و اجتماعی شدن بچه ها رابطه وجود دارد.

-مدل مفهومی تحقیق

در این تحقیق از نظریات جورج گرینبرگ عنوان نظریه کاشت این نظریه عبارت است از اینکه تلویزیون در میان رسانه های مدرن چنان جایگاه محوری در زندگی روزمره ما پیدا کرده است که منجر به غلبه آن بر "محیط نمادین" شده و پیامهایش در مورد واقعیت، جای تجربه شخصی و سایر وسایل شناخت جهان را گرفته است. برای ساختن فرضیه ی تاثیر رسانه بر اجتماعی شدن استفاده شده است. همچنین برای فرضیات گرایش به بزهکاری و گسست و عدم حمایت از مرکز، ارتباط با همسالان، ارتباط با مربیان و آموزش در مدرسه از نظریه ی ژان پیاژه استفاده شد از نظر او دگرگونیهای که در رشد حیطه شناختی کودک در در مراحل پیش عملکردی و عملکردهای عینی به وقوع می پیونددار اهمیت اساسی در تکوین مراحل بعدی رشد کودک برخوردار است. پیاژه بر جنبه ی خود به خودی رشد تاکید کرده، صافی آن را در رشد ذهنی جستجو و مطالعه می کند وی بر اساس تکامل شخصیت در انسان شکل بگیرد. پیاژه تجربه عامل مهم دیگری در تحول ذهنی است و کودکان تنها در فرایندی تجربیات گوناگون است که می توانند خودشان یاد بگیرند برای خودشان کشف کنند. آخرین عامل تفویض اجتماعی یا تعامل موثر با اشخاص دیگر، مخصوصاً والدین، معلمان و همبازی هاست. تمامی این چهار عامل با هم عمل می کنند تا به تحول روانی کودک کمک کرده و عدم تعادل کافی برای انگیزه یادگیری را ایجاد نمایند. پیاژه تاکید می کند که تجربیات کودک و نیز محیط فرهنگی او برای سن مربوط به هر مرحله از تحول موثر است.

جوانا وین و راب وایت، این دو نظریه پرداز منابع هویتها در دسترس نوجوانان را خانواده، رسانه های گروهی، مدرسه و گروه همسالان می دانند. این دو معتقدند که نهادهای اجتماعی مانند مدرسه، با مشارکت دادن نوجوانان و جوانان به آنها احساس هویت می بخشد، زیرا قبل از هر چیز هویت به ارتباط اجتماعی مربوط است که در محیز مدرسه امکان کنش متقابل با افراد دیگر و محیط اجتماعی فراهم است. همچنین نظریات تاثیر رسانه، آموزش در مدرسه و ارتباط با همسالان نیز در نظریات این دو نظریه پرداز روشن است و در ساخت فرضیات در این تحقیق نیز از آنها استفاده شده است.

پیشینه ی تحقیق

مسائل اجتماعی مانند فقر، بیماری و بی سرپرستی، بیکاری، فحشا، بردگی و... همواره در تاریخ زندگی انسانها وجود داشته است. مشکل کودکان بی سرپرست نیز دارای تاریخچه ای بسیار طولانی بوده و بی شک از زمانی که بشر زندگی اجتماعی اختیار کرده است با این معضل نیز روبه رو بوده است لیکن موضوع اصلی چگونگی و نحوه برخورد و رسیدگی جامعه به آنها است، روند تاریخی حمایت از کودکان بی سرپرست از گذشته های دور تا کنون چشم اندازها و افقهای روشنی برای پژوهش ها ایجاد می کند.

-در مقاله دشتی شفیع (۱۳۹۵) تحت عنوان "خانه کودکان بی سرپرست" دومین کنفرانس ملی جغرافیا و برنامه ریزی، معماری و شهرسازی، به تاثیر محیط بر رفتار و شخصیت کودکان پرداختند که کودک بی سرپرست که همواره نیاز به یک پناه را احساس می کند با بودن در محیطی که به طور دائم احساس تشویش، نگرانی، اضطراب و ترس داشته باشد، دچار ضعف در شخصیت خواهد شد. از این رو فضاهای مرکز نگهداری از کودکان بی سرپرست به عنوان بستری که همواره مورد استفاده این کودکان قرار می گیرد، در صورت دارا بودن احساس امنیت علاوه بر آنکه آرامش را برای آنان به ارمغان می آورد، در سالهای آینده این کودکان نیز مفید است. آنها باید قدرت حرکت و همگامی با جامعه و حتی توان مطرح شدن به عنوان سرمایه های بسیار با ارزش برای سازندگی کشور را دارا باشند. شکل نگهداری از کودکان بی سرپرست در حال دگرگونی می باشد و همواره سعی بر ارتباط بیشتر این دسته از کودکان با محیط های بیرونی و دیگر کودکان میباشد. متأسفانه این موضوع در کشور ما آنطور که باید صورت نمی گیرد و کاستی هایی در این زمینه مشاهده میشود که از در رفع آن تلاش میشود. از طرفی مقایسه قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳ با قانون حاضر، حاکی از آن است که ادعاهای طراحان لایحه برای تسهیل فرزندخواندگی و افزایش دامنه کودکانی که می توان سرپرستی آنها را واگذار کرد، هنوز تأمین نشده است.

-محسنی تبریزی (۱۳۸۰) در مقاله ای تحت عنوان "بررسی وضعیت کدکان بی سرپرست در ایران" در مجله تأمین اجتماعی شماره ۹، به این نتیجه رسیدند که از میان شیوه نگهداری رایج در ایران که شیوه نگهداری موسسه ای، خانه های کودک هیئت امنایی (گروه های کوچک و گروه های بزرگ) و سپردن کودک به خانواده های امین و شیوه فرزند خواندگی هستند؛ از منظر ارائه خدمات بهداشت و سلامت و بهداشت روانی شیوه نگهداری خانه های کودک گروه های کوچک و سپردن کودک به خانواده ها - با رعایت ملاحظات - بیشترین ارزش و کارآمدی، و شیوه نگهداری موسسه ای کمترین کارآمدی و بیشترین آسیب آفرینی را به همراه دارد.

-کاستلز (۲۰۰۹) بر نقش و جایگاه اینترنت به منزله زیرساخت اساسی جامعه اطلاعاتی تأکید می کند که ضمن به کارگیری و اعمال قدرت در عصر جهانی شدن، پویاییها و پیچیدگیهای آن را افزایش می دهد و منجر به پیدایش جامعه ای شبکه ای می گردد. شاید مهمترین بحث کاستلز را در این زمینه، بتوان ارتباط میان شبکه و خود دانست که در نهایت در شکل گیری هویت، نقشی بسزا دارد.

-ناتالیا لتکی (۲۰۰۳) در مقاله خود با عنوان "تبیین مشارکت سیاسی در اروپای شرقی- مرکزی: سرمایه اجتماعی، دموکراسی و جوامع مابعد-کمونستی" تلاش نمود تا تاثیر اعتماد اجتماعی، ویژگی های اقتصادی - اجتماعی و ... را بر انواع مشارکت سیاسی (شرکت در بحث های سیاسی، عضویت حزبی، هواداری حزبی و رأی دهی (بررسی نماید. تحلیل رگرسیونی در این پژوهش نتایج با ارزشی را نشان می دهد که از جمله می توان به معنادار بودن تاثیر اعتماد اجتماعی بر متغیرهای شرکت در بحث های سیاسی، هواداری احزاب، رأی دهی و معنادار نبودن تاثیر آن بر متغیر عضویت در احزاب سیاسی اشاره کرد.

-روش تحقیق

این پژوهش در چارچوب کلی پژوهش های کمی به انجام خواهد رسید. روش مورد استفاده در این تحقیق، پیمایشی و از نوع توصیفی-تحلیلی است. همچنین پژوهش حاضر، از لحاظ ماهیت کمی و از لحاظ هدف کاربردی است. تحقیق از این نظر کاربردی است که در جهت توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص (فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی) برای استفاده در برنامه ریزی های جاری انجام می گیرد. در این روش افراد بر اساس داشتن یا نداشتن مشخصه خاص (تحت سرپرستی بهزیستی) انتخاب می شوند و سپس اجتماعی شدن بین آنها مقایسه می شود. با توجه به اینکه روش تحقیق مصاحبه بود در مراجعه به مرکز مذکور ۱۵ جلسه مداوم از ساعت ۸ صبح تا ساعت ۴ بعداز ظهر جهت مصاحبه با مدیران، مربیان و فرزندان تحت سرپرستی، انجام شد که در مجموع ۱۲۰ ساعت با مدیران، مربیان و فرزندان تحت سرپرستی مصاحبه انجام شد. شش جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی موسسه شریف می باشد. بنا بر مرکز بهزیستی موسسه شریف تعداد فرزندان تحت سرپرستی این موسسه برابر با ۳۰ نفر است که همه ی آنها پسر (مذکر) هستند. با توجه به تعداد کم آنها، از روش همه شماری یا کل شماری استفاده می شود. و همچنین از مشاهده مشارکتی و مصاحبه با مربیان و مدیران مرکز و همچنین با فرزندان جهت پیشبرد مقاصد تحقیق استفاده شد. به این صورت که سوالات پرسشنامه را بطور دقیق از آنها پرسیده می شد. در این تحقیق ضریب آلفای کرونباخ به منظور تشخیص پایایی پرسشنامه محاسبه گردید. روایی محتوایی پرسشنامه نیز با نظرخواهی از کارشناسان و اساتید مرتبط با موضوع تأیید شد.

جدول (۱) مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده برای هر دسته از گویه ها

نام دسته گویه	تعداد گویه	مقدار آلفای کرونباخ
ارتباط مربیان با فرزندان،	۷	۰/۶۷۳
تأثیر مدرسه بر فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی	۷	۰/۶۶
تأثیر رسانه ها گروه همسالان	۵	۰/۶۰
گرایش به بزهکاری،	۷	۰/۶۱
گسست و عدم حمایت مراکز فرزند پروری)	۷	۰/۷۸
اجتماعی شدن	۳۳	۰/۷۴

برای توصیف داده ها متناسب با سطح سنجش هریک از متغیرهای دموگرافیک و مستقل از جداول توزیع فراوانی و آماره های توصیفی متناسب تمایل به مرکز میانگین و پراکندگی انحراف معیار استفاده شده است. داده های بدست آمده از اجرای پرسشنامه های بسته (ساخت یافته)، با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل و تحلیل تشخیصی^۱، تحلیل همبستگی کانونی^۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

¹ Discriminate Analysis

² Canonical Correlation Analysis

- تجزیه و تحلیل داده‌ها

- توصیف یافته‌ها

- توصیف متغیرهای دموگرافیک

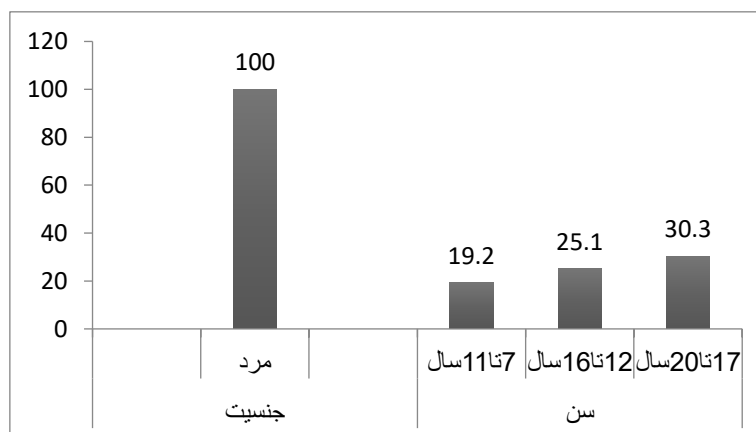
در جداول زیر توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیتی و زمینه‌ای جنسیت، سن، درصد فرزندان تحت سرپرستی این مرکز بهزیستی، بررسی سرانه در نظر گرفته برای هر فرزند، میزان پرداختی به فرزندان بعد از ۱۸ سالگی آمده است.

جدول (۲) توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیتی (جنسیت) فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی

جنسیت	فراوانی درصدی
مرد	۳۰
	۰/۱۰۰

جدول (۳) توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیتی (سن) فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی

فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی		
سن	فراوانی	فراوانی درصدی
۱۱ تا ۷ سال	۲۶	۱۹/۲
۱۲ تا ۱۶ سال	۳۴	۲۵/۱
۱۷ تا ۲۰ سال	۴۱	۳۰/۳

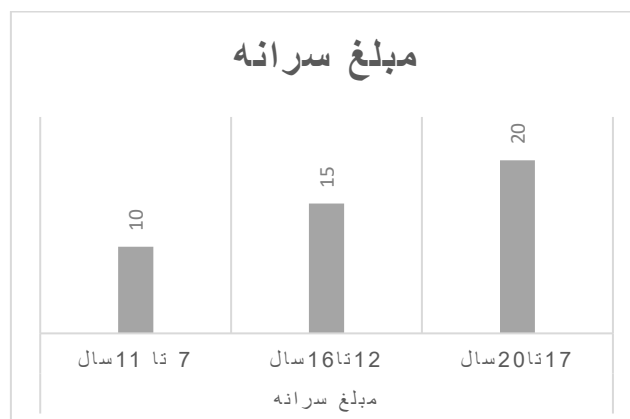


نمودار ۱ توزیع فراوانی ویژگی‌های فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی

همچنانکه در نمودارها و جداول پیشین مشاهده می‌شود تمام فرزندان تحت سرپرستی این مرکز بهزیستی دارای جنسیت مرد و در رده سنی ۱۷ تا ۲۰ سال هستند.

جدول (۴) توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیتی (سرانه برای هر فرزند) فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی

مبلغ سرانه	سن	فراوانی درصدی
۵۰۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰۰	۷ تا ۱۱ سال	۱۰/۰۰۰
۱۰۰۰۰۰۰-۱۵۰۰۰۰۰	۱۲ تا ۱۶ سال	۱۵/۰۰۰
۱۵۰۰۰۰۰-۲۰۰۰۰۰۰	۱۷ تا ۲۰ سال	۲۰/۰۰۰



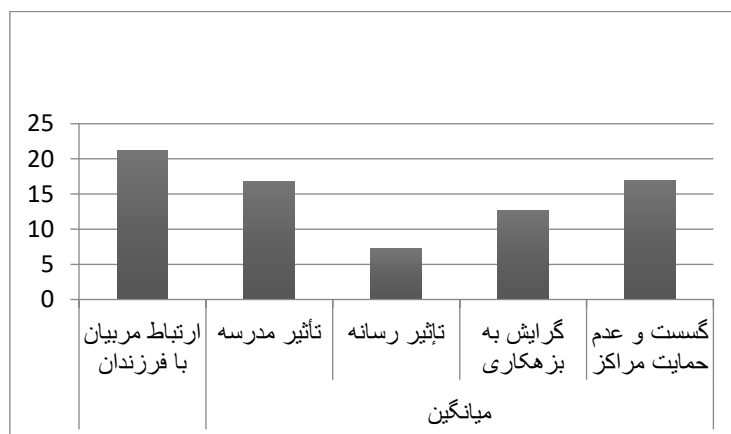
نمودار ۲ توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیتی (سرانه برای هر فرزند) فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی

-توصیف متغیرهای مستقل

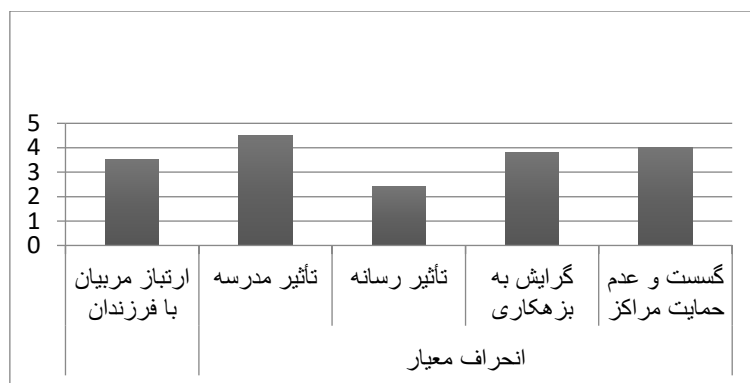
در جدول زیر آماره‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) مؤلفه‌های اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی این مرکز بهزیستی آورده شده است.

جدول (۵) آماره‌های توصیفی مؤلفه‌های اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار
ارتباط مربیان با فرزندان	۲۱/۲	۳/۵
تأثیر مدرسه بر فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی	۱۶/۸	۴/۵
تأثیر رسانه‌ها گروه همسالان	۷/۳	۲/۴
گرایش به بزهکاری	۱۲/۷	۳/۸
گسست و عدم حمایت مراکز فرزند پروری	۱۶/۹	۴/۰



نمودار ۳ میانگین مؤلفه‌های اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی



نمودار ۴ انحراف معیار مؤلفه‌های اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی

-استنباط یافته‌ها

در این بخش، نتایج حاصل از استنباط یافته‌ها در دو بخش تحلیل تشخیصی و تحلیلی همبستگی کانونی مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

-تحلیل تشخیصی و تحلیل همبستگی کانونی

به منظور تعیین همبستگی کانونی و نیز نقش هر یک از مؤلفه‌های اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی در تبیین تأثیر متغیرهای تحقیق بر روی اجتماعی شدن آنها، نتایج حاصل از تحلیل تشخیصی و تحلیل همبستگی کانونی ارائه و تفسیر گردیده است.

-مؤلفه‌های اجتماعی شدن

در جدول زیر نتایج حاصل از تحلیل تشخیصی مؤلفه‌های اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی این مرکز بهزیستی نشان داده شده است.

جدول (۶) نتایج تحلیل تشخیصی و همبستگی کانونی در مؤلفه‌های اجتماعی شدن

مؤلفه‌های چالش‌های اجتماعی شدن فرزندان	متغیر وابسته	ضریب تشخیصی	همبستگی کانونی
ارتباط مربیان با فرزندان	اجتماعی شدن	۱/۲۰	۰/۵۳۷
تأثیر مدرسه		۱/۱۶	۰/۷۱۵
تأثیر رسانه		۰/۶۳	۰/۲۹۲
گرایش به بزهکاری		۳۰٪	۰/۲۸۰
گسست و عدم حمایت مراکز		۰/۶۵	۰/۴۱۳

بر اساس جدول فوق همبستگی کانونی ۳ بین مجموعه مؤلفه‌های اجتماعی شدن برابر ۰/۶۶۹ است. هرچه مقدار این همبستگی برای یک متغیر به (۱) نزدیک تر باشد، نقش آن متغیر در تابع تشخیصی مهم‌تر است. این مقدار به ما کمک می‌کند تا به مفید بودن هر متغیر در تابع تشخیصی پی ببریم. همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته نشان‌دهنده وجود رابطه‌ی قوی با تابع می‌باشد. و همچنین به ترتیب ارتباط با مربیان، تأثیر مدرسه و گسست و عدم حمایت از مراکز ۰/۷۱۵، ۰/۵۳۷ و ۰/۴۱۳ رابطه‌ی قوی با تابع دارند. و گرایش به بزهکاری و تأثیر رسانه ۰/۲۹۲ و ۰/۲۸۰ نیز دارای رابطه با تابع می‌باشند. با توجه به ضرایب تشخیصی ۴ سهم و نقش هر یک از مؤلفه‌های اجتماعی

۱ همبستگی کانونی درست همانند همبستگی پیرسون تفسیر می‌شود. در تحلیل تشخیصی، همبستگی کانونی، رابطه بین مجموعه‌ای از

متغیرهای مستقل و یک متغیر وابسته را بررسی می‌کند.

شدن، ارتباط با مربیان، تأثیر مدرسه، گسست و عدم حمایت از مراکز تأثیر رسانه، گرایش به بزهکاری و به ترتیب برابر با ۱/۲۰، ۱/۱۶، ۰/۶۵، ۰/۶۳ و ۰/۳۰ است. این ضرایب نشان می‌دهد که هرچه مقدار آن برای یک متغیر بزرگ‌تر باشد سهم آن متغیر در مدل به عبارتی در تفکیک گروه‌ها از همدیگر بیشتر است. طبق نتایج این جدول، متغیرهای ارتباط با مربیان، تأثیر مدرسه بیش‌ترین نقش را در کل تابع تشخیصی دارند.

-نتایج ازمون کای-اسکور (خی دو)

جدول (۷) نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک در اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	کای اسکور	درجه آزادی	معناداری	ضریب تعیین Nogkerker square
ارتباط مربیان با فرزندان تأثیر مدرسه تأثیر رسانه گرایش به بزهکاری گسست و عدم حمایت مراکز	اجتماعی شدن	۱۷/۵	۳	۰/۰۰۱	۰/۵۵۹

همان‌گونه جدول فوق نشان می‌دهد، برای اجتماعی شدن ضریب تعیین برابر با ۰/۵۵۹ است و بیانگر آن است که ۰/۵۵۹ واریانس اجتماعی شدن توسط مؤلفه‌های آن تبیین می‌شود. مقدار ضریب تعیین بین (۰) و (۱) نوسان دارد. هرچه مقدار این آماره به عدد (۱) نزدیک‌تر باشد نشان می‌دهد که نقش متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته زیاد است و بر عکس، مقادیر نزدیک (۰) دلالت بر نقش ضعیف متغیرها در این امر دارد.

-بحث و نتیجه گیری

فرایند اجتماعی شدن از دوران کودکی تا بالاترین سنین یک فرایند مستمر و مداوم است. بی تردید سیاست های مراکز نگهداری، تغییر کارمندان، نحوه برخورد و آموزش متفاوت مربیان، که همه این مسایل به طور مستقیم در رشد و شکل گیری شخصیت فرزندان تأثیرگذار خواهد بود و در روند رشد و روند اجتماعی شدن با چالش های روبرو هستند. در این مقاله نیز برخی از متغیرهای اجتماعی شدن و رابطه آن با اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی موسسه شریف سنجدیده شده است. متغیرهای مورد اشاره در این تحقیق عبارتند از ارتباط با مربیان، تأثیر مدرسه، گسست و عدم حمایت از مراکز تأثیر رسانه، گرایش به بزهکاری که در فصل قبل به همبستگی های آماری این متغیرها و رابطه آن ها با متغیر وابسته (اجتماعی شدن) مورد سنجش قرار گرفته است که نتایج حاصل رابه طور خلاصه می توان به صورت زیر تشریح کرد:

الف- ارتباط با مربیان به عنوان قوی ترین عامل در قضیه اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی تأثیرگذار است. به طوریکه ارتباط با مربیان به عنوان یکی از موارد اجتماعی شدن فرد می تواند در اجتماعی شدن یا نشدن مؤثر باشد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که ارتباط با مربیان می تواند در صورت استمرار وجود آن به عنوان یکی از موارد اجتماعی شدن می تواند در کاهش چالش های اجتماعی شدن تأثیرگذار باشد لذا بین ارتباط با مربیان و اجتماعی شدن فرزندان رابطه معنادار وجود دارد.

ب- تأثیر مدرسه به عنوان دومین عامل پس از ارتباط با مربیان در اجتماعی شدن فرزندان تأثیرگذار است. اگر مدرسه مناسب رابه عنوان یکی از شاخص های دائمی در اجتماعی شدن افراد در نظر بگیریم می توان گفت که تأثیر مدرسه در میزان اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی مؤثر است پس بین ارتباط با مربیان و اجتماعی شدن رابطه معنی دار وجود دارد. یافته های این فرضیه با نظریه ی واین و وایت که "مدرسه به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی قدرتمند، نقشی مؤثر در شکل گیری هویت اجتماعی نوجوانان دارد و با انجام برنامه های متنوع فرهنگی و اجتماعی و تدوین محتوای مطلوب درسی می تواند زمینه را برای اجتماعی شدن و شکل گیری هویت اجتماعی مطلوب فراهم سازد"، مطابقت دارد.

ج- تأثیر رسانه نیز به عنوان یکی از مشخصه های اجتماعی شدن رابطه مثبتی با اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی دارد. رسانه ها در فرایند اجتماعی کردن و شکل گیری هویت افراد نقش بسزایی دارند از همین رو، رسانه به عنوان یکی از مؤلفه های اجتماعی شدن و استفاده صحیح از آن می تواند میزان اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی را افزایش می دهد. این تحقیق با رویکرد نظریه کاشت مطابقت دارد. از دیدگاه این رویکرد رسانه های جمعی به ویژه تلویزیون که عاملی مهم در اجتماعی کردن افراد هستند، نگرشها، ارزشها، رفتارها و ادراکهای ما را از جهان واقعی شکل می دهند و ایجاد می کنند (تان، ۱۹۸۵، به نقل از هرسیچ و همکاران، ۱۳۹۱). این در حالی است که نگرشها، ارزشها و نوع رفتاری که شخص انجام می دهد در حقیقت شالوده هویت فرد هستند که از رسانه ها تأثیر می پذیرند. طبق تحقیقات تجربی، کاستلز (۲۰۰۹) و بارکر (۱۹۹۹) در پژوهشی دریافتند که استفاده از رادیو و تلویزیون و رایانه رشد هویت ملی و شناخت علائم و نمادهای ملی را پیش بینی می کند.

د- دومؤلفه گرایش به بزهکاری و گسست و عدم حمایت مراکز نیز بر میزان اجتماعی شدن فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی تأثیر خاصی نداشته و می توان گفت که بین این دومؤلفه به عنوان شاخص های اجتماعی شدن و میزان اجتماعی شدن رابطه معنادار وجود ندارد.

فهرست منابع

- بی، ارل (۱۳۸۳). روش های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، چاپ دوم، جلد دوم.
- دشتی شفیعی (۱۳۹۵) خانه کودکان بی سرپرست " دومین کنفرانس ملی جغرافیا و برنامه ریزی، معماری و شهرسازی.
- فرانکفورد، چاوا، نجمیاس، دیوید (۱۳۸۱). روش های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضل، تهران: سروش، چاپ اول.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۴). "گفت و گو هایی با امانوئل کاستلز" ترجمه حسن چاوشیان. تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران نشر نی.
- محسنی تبریزی (۱۳۸۰) " بررسی وضعیت کودکان بی سرپرست در ایران " مجله تأمین اجتماعی شماره ۹.
- ونتر، بری (۱۳۸۴). روش های تحقیق رسانه ای (ترجمه مینو نیکو). تهران: اداره کل پژوهشهای سیما، چاپ اول.
- Barker, C. (1999). Television, globalization and cultural identities. Buckingham; Open University Press.
- Castello, E. (2009). The nation as a political stage; A theoretical approach to television fiction and national identities. International Communication Gazette, 71(4).
- Paul, Gilbert (2015) The Evolution and Social Dynamics of Compassion.
- Wyn, J., & White, R. (1997). Rethinking youth. London: Sage.
- WHO (2003).